



سؤال - سال سوم (بقره: ۲۱۶)

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ، وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ، وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ، وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ، وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

بر شما جنگ [با دشمن] مقرر شده؛ گرچه برایتان خوشایند نیست، بسا چیزی را خوش ندارید در حالی که برای شما خیر است، و بسا چیزی را دوست دارید و حال آن که برای شما مایه‌ی زیان است، خداوند [با آگاهی فراگیرش بر همه چیز، مصلحت شما را در همه‌ی امور] می‌داند و شما نمی‌دانید.

چرا برخی دعاها مستجاب نمی‌شود؟

عثمان بن سعید می‌گوید: فردی به من گفت که من به خدمت امام صادق علیه السلام مشرف شده، عرض کردم: دو آیه در قرآن کریم هست که هنوز آن دو را درست درک نکرده‌ام.

حضرت فرمودند: آن دو آیه کدامند؟

عرض کردم: یکی آیه‌ی: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (غافر: ۶۰) (مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم) است که ما دعا می‌کنیم ولی اجابتی نمی‌بینیم.

فرمودند: آیا خداوند متعال خُلف وعده می‌کند؟

عرض کردم: خیر.

فرمودند: پس چرا اجابت نمی‌شود؟

عرض کردم: نمی‌دانم.

فرمودند: اما من تو را با خبر می‌کنم، کسی که اوامر الهی را اطاعت نماید و سپس از راهش دعا کند، مستجاب می‌شود. عرض کردم: راه دعا کدام است؟

فرمودند: ابتدا خداوند متعال را حمد می‌کنی، بعد نعمت‌هایش را به یاد می‌آوری، سپس آن‌ها را شکر می‌گزاری، بعد بر پیامبر و آلش علیهم السلام صلوات می‌فرستی، آن‌گاه گناهان خود را یادآور شده، بدان اقرار می‌کنی، پس از آن، از گناهانت استغفار می‌نمایی، این طریق دعاست.

آن‌گاه فرمودند: آیه‌ی بعدی چیست؟

عرض کردم: آیه‌ی: «وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» (سبأ: ۳۹) (و هرچه را انفاق می‌کنید [چه کم و چه زیاد] خدا عوضی را جایگزین آن می‌کند؛ و او بهترین روزی‌دهندگان است)

فرمودند: آیا خداوند متعال خُلف وعده می‌کند؟



عرض کردم: خیر.

فرمودند: پس چرا عوض نمی دهد؟

عرض کردم: نمی دانم.

فرمودند: (اول این که) اگر کسی مالی را از راه حلال به دست بیاورد و در موردی که سزاوار است، انفاق کند، حتماً عوضش را خواهد دید، حتی اگر یک درهم ببخشد. دوم این که چیزی را طلب کرده که به صلاح او نیست یا مفسده‌ای برای خودش یا دیگران در بردارد، چون محال است کسی چیزی از خدا بخواهد و مطابق حکمت هم باشد، ولی ذات اقدس الهی آن را اجابت نکند. بنابراین، شایسته است که دعاکننده به هنگام دعا این شرط را بر زبان بیاورد (منظور، مطابقت مطلوب با حکمت و مصلحت است، مثلاً بگوید: خدایا! اگر صلاح است، چنین و چنان کن.) و اگر این کار را نکرد، لااقل مقصود قلبی اش این باشد که خدایا این حاجت را اگر خیر و مصلحت باشد، عطا کن، بنابراین، اگر در واقع چنین باشد، حتماً پروردگار متعال آن را اجابت می کند و اگر مصلحت در تأخیر باشد، آن را به تأخیر می اندازد، چون خودش می فرماید: «وَلَوْ يَعْجَلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتَعْجَلَهُمْ بِالْخَيْرِ لَفُضِيَ إِلَيْهِمْ أَجْلُهُمْ» (یونس: ۱۱) (اگر خدا برای مردم در عذاب همان گونه که آنان در طلب خیر و خوشی شتاب دارند، شتاب می ورزید، قطعاً مدت عمرشان [با نزول عذاب] پایان می یافت).

مرحوم ابن فهد حلی در توضیح می فرمایند: این مسئله بسیار واضح و روشن است و نیازی به توضیح ندارد که یک وقت چیزی را طلب می کنیم، اما پس از مدتی از شر آن به خدا پناه می بریم. و در مقابل، از چیزی فرار می کنیم، اما پس از گذشت مدتی، به دنبالش می گردیم. سخن امیر المؤمنین علی علیه السلام نیز همین معنا را می رساند آن جا که می فرماید: «رُبَّ أَمْرٍ حَرَّصَ الْإِنْسَانَ عَلَيْهِ فَلَمَّا أَدْرَكَهُ وَدَّ أَنْ لَمْ يَكُنْ أَدْرَكَهُ». یعنی چه بسا انسان نسبت به چیزی حریص است و آن را می طلبد و چون به آن دسترسی پیدا کرد، دوست می دارد که ای کاش اصلاً بدان نمی رسید.

جان کلام در آیه‌ی شریفه‌ی سوره‌ی بقره نهفته است که ما را از دیگر سخن‌ها بی نیاز می سازد، خداوند می فرماید: «وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ». یعنی چه بسا از چیزی بدتان می آید، در حالی که آن چیز برایتان خیر است. و چه بسا چیزی را خوش دارید و حال آنکه برایتان شر می باشد، خدا می داند ولی شما نمی دانید.

اصل تشریح دعا و ثواب دادن بر آن، از باب رحمت خدایی است که رحمتش بر غضبش پیشی گرفته، بنابراین، نباید چنین دعایی را اجابت نماید، چون غرض بنده از دعا، این است که خیری به او برسد و حالش اصلاح گردد، نه این که روزگارش بدتر شود.



بنابراین، اگر چیزی را طلب می‌کند، منظورش این نیست که هر چه هست (چه خوب و چه بد) می‌خواهم، بلکه مقصودش این است که اگر برای من نفع دارد، می‌خواهم، پس این شرط در خاطره‌ی او استوار است، اگر چه به زبان نیاورده باشد، حتی اگر در ذهنش هم این شرط خُطور نکرده باشد (اگر کسی از او سؤال کند که این مطلب برای تو فلان مفاسد و مضرات را در پی خواهد داشت، آیا باز هم آن را می‌خواهی؟ مسلماً جوابش منفی خواهد بود).^۱